

## سرقت علمی: رهیافت سازمانی

● احد فرامرز قراملکی

استاد دانشگاه تهران / akhlagh\_85@yahoo.com

### ۱. درآمد

یکی از معضلات اخلاقی در مراکز آموزشی و پژوهشی، سرقت علمی است. مراکز علمی محل اندیشه‌ورزی و شاگردپروری فرهیختگان و قلب جامعه پویا و زنده است و ابتلای آن به تقلب، فریبکاری و به طور کلی درست‌کار نبودن، تهدیدکننده سلامت جامعه است و باید نالید که رسانه‌ها نمونه‌های فراوان از آن را گزارش می‌کنند. این بیماری خاص کشور معینی نیست و تقریباً در بیشتر کشورها، اعم از توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته، وجود دارد. مهم‌ترین تمایزی که بین کشورها در خصوص تقلب علمی، (شامل کتاب‌سازی، سرقت علمی، ارجاعات دروغین، تحریف داده‌ها و ...) وجود دارد، نحوه مواجهه آن‌ها با این بیماری است. مواجهه‌های متمایز از طرفی برانگاره‌های گوناگون استوار است و از سوی دیگر پیامدهای متفاوتی (از جمله بحران، مهار، کاهش، پیش‌گیری، بهبود و ...) دربردارد.

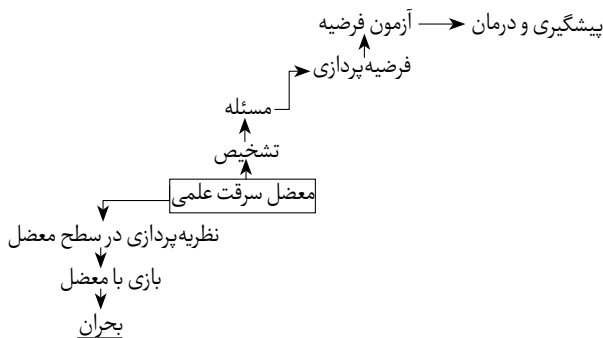
متفکران معاصر ایرانی، هم از درد سرقت رنجیده و نالیده‌اند و هم در باب آن فراوان سخن گفته‌اند. از آخرین نوشتارها در این باب می‌توان از جستار ستودنی سید حسن اسلامی با عنوان «انتحال؛ از سرقت ادبی تا معضل آکادمیک» نام برد. اسلامی از اخلاق پژوهان پرکار و با کارنامه پر بار است. وی پیش از این در مقاله «چو دزدی با چراغ آید: سرقت علمی در سطح دانشگاهی» (۱۳۹۰) و در فصلی از کتاب اخلاق پژوهش: مبانی و مسائل به مسئله انتحال پرداخت و مقاله اخیر وی بر پایه بسط نوشتار نخست و با اخذ و اقتباس از مقاله دوم سامان یافته است. نویسنده خود به ارتباط این سه مقاله اشاره می‌کند (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۳۴، پاورقی ۳).

اسلامی در مقاله اخیرش (۱۳۹۳) به مباحثی چون چیستی انتحال، انگیزه‌های سه‌گانه انتحال (پول‌سازی، رفع تکلیف و اعتبار علمی)، دلایل غیراخلاقی بودن انتحال، توصیه‌های نه‌گانه روشی برای پرهیز از انتحال و بحث از تعلیم، پیش‌گیری و تنبیه می‌پردازد. سرآغاز نوشتار وی گزارش کوتاه و مفیدی از پیشینه بحث از انتحال است و البته به کار سارقانی هم



■ جستارهایی در اخلاق پژوهش، به
اهتمام: رستم فلاح، تهران، پژوهشکده
مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳،
۳۶۸ ص. قیمت: ۱۶۳۰۰۰ ریال.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۶-۳۰-۱

می‌آید که بخواهند از طریق سرقت مآخذ، نوشتاری تهیه کنند و به لشکرکشی منابع بپردازند. نگارنده این سطور، نوشتار حاضر را گونه‌ای تداوم مقاله اخیر دکتر اسلامی می‌داند. به همین سبب، به مباحث ایشان اشاره‌ای نمی‌کنم و جز طرح پرسشی در خصوص تعریف وی از انتحال، نکته‌ای نمی‌آورم. مسئله نوشتار حاضر، رخنه‌ای در غالب مقاله‌ها و پژوهش‌های معطوف به سرقت علمی، چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام، است: نقش نگرش سیستمی، به‌ویژه اخلاق سازمانی در مدیریت معضل اخلاقی سرقت علمی. خواننده، احتمالاً به چیزی بیش از طرح مسئله در این بحث کوتاه نخواهد رسید. هدف این نوشتار به میان‌آوردن پیشنهادی براساس رهیافت اخلاق سازمانی برای تشخیص، پیش‌گیری و درمان بیماری سرقت علمی است.<sup>۲</sup> فقدان رویکرد سازمانی به این پدیده یکی از عوامل ناکامی در پیش‌گیری و درمان آن و یکی از علل تبدیل معضل به بحران اجتماعی در این خصوص است. درنگ منصفانه در کارنامه ما مدیران مراکز پژوهشی نشان می‌دهد که در نمودار زیر کجا قرار داریم. البته پاسخ به این پرسش تمرین خودشناسی نیز هست.



مسئله نوشتار حاضر، رخنه‌ای در غالب مقاله‌ها و پژوهش‌های معطوف به سرقت علمی، چه در جهان غرب و چه در جهان اسلام است: نقش نگرش سیستمی، به‌ویژه اخلاق سازمانی در مدیریت معضل اخلاقی سرقت علمی

نمودار یک: موضع ما مدیران مراکز علمی در مواجهه با سرقت علمی

سرقت علمی، معضلی است که تشخیص دقیق مسئله یا مسائل مندرج در آن و پیش‌گیری مؤثر و درمان آن نیازمند بررسی‌های نظام‌مند و بین‌رشته‌ای است، زیرا معضل سرقت، چندتباری است و بررسی آن ریشه در زمینه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، مدیریتی و ... دارد. هرگونه بحث و اقدام بدون دستیابی به تشخیص دقیق، نه تنها بیراهه رفتن، بلکه تبدیل کردن معضل به بحران است.

## ۲. شکل‌های سرقت علمی

انتحال یکی از گونه‌های تقلب، فریب‌کاری و درست‌کار نبودن در فعالیت‌های علمی، اعم از آموزش، پرورش، ترویج و مشاوره است؛ همان‌گونه که کتاب‌سازی گونه‌ای دیگر از تقلب علمی است. آوردن فریب‌کاری در این فهرست، لزوماً به معنای اخذ قصد فریب در تعریف سرقت علمی نیست بلکه اگر رفتاری، حتی بدون قصد فاعل، سبب فریب دیگری شود، آن رفتار را فریب‌کارانه می‌خوانیم. اگر اخذ، اقتباس و آوردن یافته‌های علمی دیگری در مقاله‌ای به گونه‌ای باشد که خواننده فریب بخورد و یافته‌های علمی دیگری را از آن نویسنده مقاله بیندارد، اخذ فریب‌کارانه صورت گرفته است.

سرقت علمی در مفهوم فراگیری که در این جا به کار می‌رود شامل هرگونه اخذ و اقتباس از هرگونه محصول علمی، بدون ارجاع به مالک آن محصول و با ایهام به خود بستن است. تأکید بر دو سور کلی «هرگونه» برای توجه دادن به شکل‌های نقابدار و پیچیده سرقت علمی است. آشکارترین سرقت علمی، به خود بستن مباحث مؤلفی بدون ارجاع به صاحب اثر و بدون دست‌کاری و تغییر است. دست‌زدن به چنین سرقتی، اگرچه در برخی موارد، در پایان نامه، مقاله و کتاب هم دیده می‌شود، اقدامی نابخردانه و حماقت‌آمیز است، زیرا امروزه به یاری امکانات دیجیتالی و به سبب شیشه‌ای شدن جهان، چنین سرقتی به آسانی و به سرعت آشکار می‌شود. فرد فریب‌کار که اندک بهره‌ای از عقل معیشتی دارد، سرقت علمی را نه آشکارا، بلکه به صورت نقابدار و با دست‌کاری و تغییری پنهان‌کننده مرتکب می‌شود. نظر به صورت‌های نقابدار سرقت علمی، آن را باید به نحو فراگیر، اخذ و اقتباس بدون ارجاع به هرگونه محصول علمی، اعم از ایده، ساختار، محتوا، داده‌ها، روش و مانند آن‌ها دانست. برخی صور آن از باب نمونه چنین است:

- دروس استادی را تقریرکردن و تقریر را، نه تقریر آن استاد دانستن، بلکه به صورت تألیف به خود بستن.

- کتابی را ترجمه‌کردن و آن را نه به صورت ترجمه بلکه به صورت تألیف به خود بستن.

- ترجمه کسی از کتابی را به نام خود منتشرکردن (بستن ترجمه دیگری به خود).

- کتابی را با تغییر در عبارات، تلخیص مباحثی و بسط مباحثی دیگر نه به عنوان

تلخیص و شرح، بلکه به عنوان تألیف به خود بستن.

- مباحث کتاب‌ها و مقاله‌هایی را بردن و به هم دوختن و حاصل آن را نه به

عنوان گزینه و جُنگ بلکه به صورت تألیف به خود بستن.

- نقل به مضمون یافته‌های علمی دیگران، بدون ارجاع به صاحب اثر.
- سرقت منابع و مآخذ نوشتار دیگران.
- سرقت ایده یا ساختار نوشتار دیگران.

سرقت علمی و دست درازکردن به محصول و دارایی دیگران، اعم از آن است که محصول تألیف، ترجمه یا تصحیح باشد و نیز اعم از آن است که میزان سرقت کم یا بیش باشد و مورد سرقت ایده، روش، داده یا تحلیل باشد. سرقت‌های علمی نقابدار، که دستبرد را با دست‌کاری در محصول دیگران همراه می‌کنند تا سرقت را پنهان سازند، سبب آلودگی بیشتری می‌شوند و نه تنها حق مالکیت فکری دیگران را از بین می‌برند، بلکه سبب حیرانی، سرگشتگی، التقاط و گمراهی نیز می‌شوند. دامنه زمانی و مکانی تأثیر زیان‌بار سرقت نقابدار بسیار بیشتر از سرقت صریح است. این جمله از فرانسویس بیکن مشهور است که منتسبان به پژوهش سه گروه‌اند: مورچگان، عنکبوتان و زنبوران عسل. در حاشیه‌ای بر سخن وی می‌توان افزود، سارقان گروه چهارم‌اند که شکل نقابدارشان نقش آلوده‌سازی مگس‌ان را ایفا می‌کند (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۱: ۳۱-۳۲).

چون مگس حاضر شود در هر طعام با وقاحت، بی‌صدا و بی‌سلام (مولوی، ۱۳۷۰، دفتر دوم، بیت ۶۱۹)

پیش‌گیری از بیماری سرقت علمی و درمان آن، در گرو شناخت همه مقومات و مؤلفه‌های آن است. سرقت علمی، گونه‌ای رفتار ارتباطی است. غالباً آن را رفتار ارتباطی بین شخصی تلقی می‌کنند: کسی به کسی دستبرد می‌زند، کسی از کسی می‌دزد. این تحلیل به شرط آن است که برگرفتن از محصولات قبلی خویش، بدون ارجاع به آن‌ها، را سرقت ندانیم و الا سرقت از محصول خویش، گونه‌ای رفتار ارتباطی درون شخصی است و برگرفتن محصولات قبلی و عرضه مجدد آن‌ها بدون یادکرد را باید از شکل‌های سرقت علمی دانست. از کنار این چالش (شمول سرقت علمی به سرقت از محصولات قبلی خویش) می‌گذریم و با تلقی عمومی همراه می‌شویم.

### ۳. مؤلفه‌های سرقت علمی

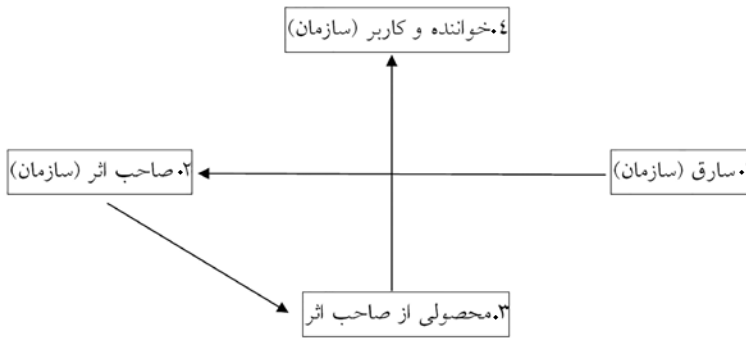
سرقت علمی، رفتار ارتباطی بین شخصی است. محمول دال بر رفتار ارتباطی، محمول چندموضوعی است و بر بخش‌های اسمی متعددی قوام می‌یابد. وقتی می‌گوییم فلانی دشمن یا دوست فلانی است با محمول دوموضوعی سروکار داریم، همان‌گونه که در «مجید برادر وحید است»، می‌بینیم. در «بین» به سه بخش اسمی نیازمندیم، زیرا وقتی می‌گوییم «زنجان بین تبریز و تهران است»، محمول سه‌موضوعی در میان است. دآوری علمی به چهار بخش اسمی قوام می‌یابد. برای تحلیل مؤلفه‌های سرقت علمی می‌توان پرسید: در سرقت علمی، به‌مثابه رفتار ارتباطی با محمول چندموضوعی روبه‌رو هستیم؟ تعریف دایان پکوری از سرقت علمی

(اسلامی اردکانی، ۱۳۹۳: ۲۳۲)، بر پایه پاسخ به این مسئله است، هر چند خود وی به آن تصریح نمی‌کند. جواب پکوری به این پرسش سه عنصر را می‌نماید: فاعل [مؤلفه یک] چیزی [مؤلفه ۲] را از منبعی مشخص [مؤلفه ۳] برگیرد (بدزد). دو قید بدون اعلام مناسبت یا بدون قصد فریب در بیان پکوری قیود لاحق‌اند نه عناصر به‌مثابه بخش اسمی محمول سرقت علمی. آیا مؤلفه‌های دیگری نیز در تحلیل سرقت علمی می‌توان به دست آورد؟

سرقت علمی، رفتار ارتباطی بین شخصی: ۱. کسی (مرتکب‌شونده، فاعل، سارق) با ۲. صاحب اثر (پدیدآورنده، مال‌باخته)، ۳. در خصوص محصولی از محصول‌های علمی وی، ۴. برای خوانندگان (مصرف‌کنندگان محصول علمی) است. عنصر اخیر که در تحلیل غیراخلاقی بودن سرقت علمی و تبیین آثار و پیامدهای آن نقش مهمی دارد، در تحلیل پکوری و دیگران غایب است. عنصر پنجمی نیز که غالباً غایب است، باید به میان آید: سازمان. این عنصر به دو صورت به میان می‌آید، صورت نخست آن است که عنصر اول یا دوم به جای آن‌که اشخاص حقیقی باشند، سازمان (حقوقی) باشد، یعنی مرکز پژوهش سارق یا مورد سرقت باشد. صورت دوم آن است که اگر سرقت علمی به وسیله اشخاص حقیقی در فرآیند فعالیت‌های حرفه‌ای در یک سازمان، مانند دانشگاه، رخ بدهد، مثلاً ناستادی در فرآیند ارتقای خود از استادیاری به دانشیاری مرتکب سرقت علمی شود یا کسی برای پیرنگ کردن کارنامه‌اش برای کمیته جذب به محصول دیگری دستبرد زند. عنصر مهم سازمان به میان می‌آید.

از آن جا که امروزه سلطه سازمانی بر حرفه‌ها حاکم است و غالب مشاغل و پیشه‌ها در سازمان‌ها تحقق می‌یابند و مشاغل علمی، مانند پژوهش هم در سازمان‌ها رخ می‌دهد، نمی‌توان در تحلیل سرقت علمی، عنصر سازمان را نادیده گرفت. نمونه را در نسبت سارق با ناشر می‌توان تحلیل کرد. فرض کنید سارق شیباد و نقابدار محصول کسی را برمی‌گیرد و آن را با تغییر عبارات، سبک نگارش و جابه‌جایی مباحث آماده می‌کند و به ناشری می‌سپارد. فرض کنید، محصول سرقت شده، صوتی است یا انتشار محدود یافته است و ناشر، هر چند دارای اسم و رسم، از محصول سرقت شده خبر ندارد و کتاب سارق را منتشر می‌کند و ناخواسته به نحوی برای سارق شریک در جرم هم می‌تراشد (مانند، به کوشش ...، به اشراف ...). کتاب منتشر می‌شود و ناشر خبردار. ناشر مرکزی است، برای خود، اسم و جایگاه دارد. برند و جایگاه سازمانی ناشر به خطر می‌افتد. منافع سازمانی ناشر را بر آن می‌دارد که سرقت علمی را به ضرص قاطع غیرسرقت بینگارد و از این‌که شیشه‌ای بودن جهان امروز، ابعاد سرقت را دیر یا زود بر ملا می‌کند، نهراسد. در چنین مواردی چگونه می‌توان، بدون توجه به عنصر سازمان، سرقت علمی را تحلیل و از آن پیش‌گیری، یا آن را درمان کرد؟ نمودار دو، عناصر پنج‌گانه سرقت علمی را نشان می‌دهد.

از آن جا که امروزه سلطه سازمانی بر حرفه‌ها حاکم است و غالب مشاغل و پیشه‌ها در سازمان‌ها تحقق می‌یابند و مشاغل علمی، مانند پژوهش هم در سازمان‌ها رخ می‌دهد، نمی‌توان در تحلیل سرقت علمی، عنصر سازمان را نادیده گرفت



عنصر ششمی را هم می‌توان بر این فهرست افزود و آن شکل و فرآیند دست‌بردن به محصول دیگری و عرضه آن به کاربران است: نقابدار و بی‌نقاب. تشخیص دقیق، پیش‌گیری مؤثر و درمان اثربخش سرقت علمی در گرو بازشناخت همه این عناصر است. پرداختن تفصیلی به این بحث و گزارش و نقد آن در این امر که غالباً در خصوص سه عنصر نخست و عنصر اخیر عرضه شده، مجال دیگری می‌طلبد. به ذکر چند نکته کوتاه بسنده می‌کنم:

**یک**، داشتن قصد در تحلیل عنصر نخست (فاعل) محل چالش است. اگر آن را در تعریف سرقت علمی اخذ کنیم، مؤلفه هفتم به میان می‌آید. جناب اسلامی می‌گوید: انتحال را بدون اخذ قید «قصد» تعریف کند: «برگرفتن مطلبی از منبعی معین، بدون ارجاع درست، چه قصد فریب در کار باشد و چه نباشد» (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۳۲). حداقل دو پرسش می‌توان مطرح کرد:

الف. اگر قصد فریب اخذ نشود چگونه می‌توان، حداقل بر اساس برخی از مکاتب اخلاقی، بر غیراخلاقی بودن آن استدلال کرد؟ ب. آیا بر پایه این تعریف، کتاب شریف و مؤثر حکیم صدرالمتألهین شیرازی، مشهور به اسفار، مصداقی از انتحال نیست؟ جناب اسلامی با چه قیدی آن را از تعریف انتحال بیرون می‌برند؟ اگرچه ادعای سرقت در خصوص آثار این حکیم والامقام پیشینه تاریخی دارد و کتابی هم به نام سرقات صدرانوشته شده، اما نسبت دادن انتحال به ملاصدرا بی‌انصافی و بی‌خبری از اندیشه فلسفی است. نگارنده در کتاب روش‌شناسی فلسفه صدر از اصالت فلسفه صدرایی دفاع کرده است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸)، اما تردیدی نیست که در جای جای اسفار نمونه‌هایی از دربرگرفتن مطالبی از منابع معینی، چون شرح مقاصد در آغاز جلد دوم اسفار نه جلدی، مباحث مشرقیه فخررازی در بسیاری از مواضع چون آغاز جلد سوم اسفار، بدون ارجاع و (حتی نه ارجاع درست) وجود دارد.

**دو**، تنوع در عناصر شش‌گانه، دشواری تشخیص، پیش‌گیری و درمان سرقت علمی را افزون‌تر می‌کند. این تنوع را حد ایستایی نیست.

**سه**، توجه به حقوق خواننده و کاربر محصول علمی که به طریق سرقت نقابدار

(دستبرد همراه با دست‌کاری) در اختیار وی قرار می‌گیرد، نشان می‌دهد که سرقت علمی برخلاف مثلاً «دزدی پول کسی» امر واقع شده بین سارق و مال باخته نیست. کاربر محصول علمی عنصر سومی، غیر از سارق و مال باخته است و لزوماً فرد معین و شخص حقیقی خاص نیست، بلکه یک نسل یا چند نسل از آلودگی سرقت علمی آسیب می‌بینند. سرقت علمی می‌تواند سلامت جامعه را تهدید کند.

**چهار،** غالباً سرقت‌کننده محصول علمی، کسی در سازمانی است. «بودن در این سازمان» در فهم و تبیین سرقت علمی و نیز جست‌وجو از راه‌های پیش‌گیری و بهبود، اهمیت راهبردی دارد.

#### ۴. شیوه‌های مواجهه با سرقت علمی

۱۰۴. **شتر دیدی، ندیدی؛** گاهی و در برخی مراکز، [به مهمله بودن جزئیة نزد شیخ اشراق توجه شود.] گمان می‌رود حذف صورت مسئله و ندیدن سرقت علمی می‌تواند آرام و رنج ناشی از آن را چاره سازد. البته این‌گونه مراکز، هرچند اندک‌اند اما با درد می‌توان گفت «وجود دارند». گاهی جریان‌های بی‌طرف و سازمان‌های مردم‌نهاد نهیب می‌زنند که فلان کار دزدی است، اما سازمان و مرکزی که سارق به آن متعلق است یا سارق با آن منافع مشترک دارد، نهیب‌ها را نمی‌شنود و سکوت می‌کند. ندیدن پدیده زشت سرقت علمی و سازوکار روانی انکار در واقع مقابله نکردن با سرقت علمی است و بیان آن در صدر فهرست مواجهه با سرقت علمی از باب آمدن تحلیل قضیه مطلقه عامه در صدر تحلیل قضایای مواجهه است در آثار ابن سینا.

سازوکار انکار عوامل فراوانی دارد، مانند بی‌خبری، فقدان شجاعت قبول مسئولیت. شیوه انکار و ندیدن سرقت علمی چند پیامد دارد: ۱. چنین مرکزی، خواسته یا ناخواسته در بزه و جرم سرقت علمی شریک می‌شوند؛ ۲. چنین مواجهه‌ای در بلندمدت سبب بی‌اعتمادی افراد به آن مرکز می‌گردد و بی‌اعتمادی خود منشأ پیامدهای زیان‌بار و فراوان است؛ ۳. ندیدن معضل سرقت علمی، سبب رواج آن و تبدیل معضل به بحران می‌شود.

۲۰۴. **خوددرمانی؛** گاهی مدیران مراکز علمی، به سبب حساسیت اخلاقی یا به هر علت دیگری، چشم‌بینا به معضلات اخلاقی، از جمله سرقت علمی دارند و در پی چاره‌جویی برمی‌آیند اما بدون رایزنی با متخصصان و نیز بدون بهره‌مندی از تجربه و خرد جمعی، فقط بر پایه تجارب شخصی و آزمون و خطای فردی، دست به اقدام می‌زنند. اقدامی که در غالب موارد به جای درست‌کردن ابرو، چشم را کور می‌کند. این مواجهه بین دو گروه رواج دارد: ساده‌انگاران و مدیرانی که از صفت خودشیفتگی مرضی و روحیه استبدادگری برخوردارند. این مواجهه خود دو گونه صریح و نقابدار دارد. در شکل نقابدار، به ظاهر مشورت و رایزنی با همکاران صورت می‌گیرد، اما به واقع حاصل مشورت همان دیدگاه مسلم انگاشته شده و نظریه‌پنداشته شده مدیر است. پیامد عمده این شیوه نیز تبدیل معضل سرقت علمی به بحران است.

۳.۴. **پند و اندرز؛** عده‌ای را تصور بر آن است که با پند و اندرز و با یادآوری مسئولیت‌های اخلاقی و نشان دادن زشتی و قباحت سرقت علمی می‌توان افراد را از آن نهی کرد. بنابراین، می‌توان دانشجویان و پژوهشگرانی را که بالفعل یا بالقوه القریبه من الفعل در معرض این بیماری‌اند، فراخواند و آن‌ها را مشفقانه نصیحت کرد تا از این رفتار غیراخلاقی بپرهیزند. به تعبیر سعدی:

نصیحت که خالی بود از غرض  
چو داروی تلخ است دفع مرض  
برخی از مراکز علمی به نوشتن چند الزام اخلاقی با عنوان منشور اخلاق پژوهش بسنده می‌کنند و به فرض کارآمد بودن آموزش اخلاق بر پایه نصایح و الزام‌های اخلاقی (فرضی که خود نیازمند الگو و مدل آزمون شده، است)، شخص به استدلال خواهد دانست که اولاً سرقت علمی قبیح، ناروا و زشت است و ثانیاً او نباید دست به سرقت محصولات دیگری ببرد. اما آیا این دو دانستن، خواستن و توانستن را در پی می‌آورد؟ برخی از کسانی که سرقت علمی می‌کنند نه تنها به روشنی هر دو گزاره را می‌دانند بلکه به دیگران نیز چنین دانستنی را می‌آموزند. دانستن این دو گزاره شرط لازم است نه کافی. بسنده کردن به شرط لازم، تحقق مشروط، پیش‌گیری از سرقت علمی و درمان آن را در پی ندارد.

۴.۴. **توصیه روشی؛** یکی از شیوه‌های رایج در پیش‌گیری از پدیده سرقت علمی، مطرح کردن توصیه‌های روشی است که فرد با استفاده از آن‌ها می‌تواند خود را از افتادن به دام سرقت علمی باز دارد. برخی از دانشگاه‌ها توصیه‌هایی هشداردهنده را در سایت خود می‌آورند. در مقاله پیش‌گفته دکتر اسلامی نیز،  $\text{نه توصیه آمده است (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۵۳-۲۵۸)}$ .

غالب این توصیه‌ها، پیش‌گیری‌کننده از سرقت علمی ناخواسته و بدون قصد هستند و برخی از آن‌ها می‌توانند نتیجه عکس دهند و سارق کارآموز را به کار آیند تا سرقت علمی را به نحوی سامان دهد که در رصد افشاکاری‌ها قرار نگیرد. در فایده و ضرورت این توصیه‌ها تردیدی نیست اما در اثربخشی آن‌ها، به تنهایی، جای تردید هست. افزایش دانش و مهارت به خواستن نمی‌انجامد، به علاوه فراموش نکنیم که سرقت علمی را هرچند فرد (شخص حقیقی) انجام می‌دهد اما او در سازمان است و عناصر و فرهنگ سرقت مدخلیت دارند و لذا به امری بیشتر از دانش و مهارت هم نیاز داریم.

۵.۴. **مواجهه قانونی؛** باور به این‌که سرقت علمی جرم است، اصلی را به میان می‌آورد که برای پیش‌گیری از جرم و درمان آن باید قانون وضع کرد و قانون را اعمال کرد تا افراد از طریق قانون، به ترک جرم سرقت علمی و جبران خسارت ناشی از آن الزام شوند. تنبیه مهم‌ترین نمود الزام قانونی است. می‌گویند «اگر یکی یا دوتا از این ناستادان مرتکب شونده به سرقت علمی را از دانشگاه اخراج کنید (البته به دست قانون) همه چیز درست می‌شود».



تحلیل حقوقی جرم‌انگاری سرقت علمی و بیان رخنه‌های قانونی مربوط به آن، مسئله ما در این نوشتار نیست. در این جا، با تأمل در اثربخشی مواجهه قانونی با سرقت علمی، انگاره‌ای را به نقد می‌کشیم که با اولویت و حصرگرایی در خصوص مواجهه قانونی بر آن است تا همه مشکلات اخلاقی جامعه را ریشه‌کن کند اما در عمل در غالب موارد به جای ریشه‌کنی، به بحران می‌انجامد.

اصل مواجهه قانونی، صرف‌نظر از قیدها و شرایط فراوان و قابل بحث آن، جای اختلاف نظر نیست. واقعیت تلخ آن است که در خصوص هر رفتار نابهنجار اولویت حصرگرایانه را به مواجهه قانونی داده‌ایم و نظارت را رمز و راز رهایی از بزه و تخلف انگاشته‌ایم. این امر محدود به سرقت علمی نیست بلکه رذایلی چون ارتشا، اختلاس، رانت‌خواری، مالیات‌گریزی، و نزاع ارباب رجوع با کارمندان بخش دولتی را شامل می‌شود و فراتر از آن‌ها در ترویج فضایی چون عفاف نیز تقدم را به مواجهه قانونی می‌دهیم.

دادن اولویت حصرگرایانه به مواجهه قانونی، به لحاظ نظری بر تحویلی‌نگری (تحویل اخلاق به قانون) استوار است و به لحاظ عملی، ناکارآمد و سبب تبدیل مشکل به بحران است. این ادعا را در خصوص ارتشا بررسی می‌کنم. فرض کنید در جامعه‌ای که ارتشا در آن رواج دارد، می‌خواهیم با حصر توجه به نظارت و اعمال قانون «منع رشوه» عمل کنیم. بر کارمندان خود ناظر می‌گماریم. یک، اگر ناظر بخواهد با کارمند متخلف و رشوه‌بگیر، به وسیله اخذ رشوه و حق سکوت، تبانی کند، لاجرم باید بر ناظر هم ناظر دیگری گمارد. آیا این امر به تسلسل نمی‌انجامد؟ یا به توصیه سعدی کارمند و ناظر را خلع ید کند:

چو مشرف دو دست از امانت بداشت ببايد برو ناظری برگماشت  
ورو نیز در ساخت با خاطرش ز مشرف عمل برکن و ناظرش  
دو، در همین فرض، آیا هزینه رشوه‌ای که ارباب رجوع به کارمند متخلف می‌پردازد، افزایش نمی‌یابد؟ سه، فرض می‌کنیم، ناظری گمارده‌ایم که هیچ تهدید و تطمیعی بر او اثر نمی‌گذارد. اگر حرص و آز سبب شود کارمندان برای گریز از نظارت ناظر نفوذناپذیر، تدبیری کند و رشوه‌ای بگیرد که ناظر نفهمد و ناظر هم بخواهد با تدبیر، روش‌های نظارت را توسعه دهد، آیا رقابت فن‌آورانه بین کارمند متخلف و ناظر به حد ایستایی می‌رسد؟ آیا در توسعه فن‌آوری رشوه‌گیری از طرفی و توسعه فن‌آوری نظارت از سوی دیگر، فرصت‌ها و منافع ملی تهدید نمی‌شوند؟ آیا سرقت علمی نقابدار، همانند پولشویی نقابدار، حاصل فن‌آوری بزه‌کاری برای گریز از رصد ناظران نیست؟ حاصل سخن، نفی و نهی از مواجهه قانونی نیست بلکه بیان این است که اثربخشی مواجهه قانونی با سرقت علمی مشروط بر چند قید مهم است:

یک، مواجهه قانونی شرط لازم و به طور نسبی بازدارنده، سرقت علمی است و نه شرط کافی و عامل پیش‌گیری و درمان آن.

دو، مواجهه قانونی گام آخر یک فرآیند و به تعبیر دقیق‌تر آخرین نظام جامع حرفه‌ای است نه گام نخست؛ مگر در شرایط بحرانی و استثنایی.

سه، مواجهه قانونی باید بر اساس قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های ممیزی شده در ترازوی اخلاق باشد. زیرا با اعمال مقررات غیرمنصفانه و آیین‌نامه‌های تبعیض‌آمیز نمی‌توان به انصاف، عدالت و سلامت در حرفه دست یافت و این نیازمندی مواجهه قانونی به اخلاق را نشان می‌دهد.

چهار، مواجهه قانونی، اقدامی با شیوه‌های گوناگون است. تمایز اقدام و شیوه‌های اقدام بسیار مهم است. در این اقدام، یعنی مواجهه قانونی، فقط شیوه‌های سنجیده شده در ترازوی اخلاقی می‌توانند اثربخش باشند. اعمال قانون با شیوه‌های غیراخلاقی در پیش‌گیری و درمان مؤثر نیست. آیه شریفه «لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی» (بقره: ۱۹) به روشنی تمایز بین اقدام اخلاقی (صدقه) و شیوه‌های غیراخلاقی (منت و آزار) را آموزش می‌دهد. چهار نکته یادشده نشان می‌دهد که تحلیل مواجهه قانونی نیازمند درنگ در مواجهه اخلاقی است.

**۶.۴. مواجهه اخلاقی با رویکرد سازمانی؛ استفاده از توان اخلاق حرفه‌ای و مواجهه اخلاقی در مدیریت معضلات سازمانی امر بسیار غریبی است.** در جامعه ما این غربت زیان‌بار عوامل فراوانی دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل بهره‌نجامستن از توان مدیریت اخلاقی در پیش‌گیری و درمان معضلات اخلاقی چون سرقت علمی، اختلاس، ارتشا، تبعیض، زیرآب‌زنی و... انگاره مدیران از اخلاق است. مفهوم انگاره را متمایز از نگرش و دانش به کار می‌برم. امروزه در زبان انگلیسی واژه image به کار می‌رود و در زبان فارسی و به ویژه مولوی واژه «خیال» به کار می‌رفت. خیالی که هرچند نیستی‌وش است اما جهانی بر آن روان است و صلح و جنگ، فخر و ننگ و بسیاری از تصمیم و اقدام‌های آدمیان از آن آب می‌خورد تا از سنجش‌های منطقی. این انگاره که اخلاق مشتت‌پند و پیمان است و بس، و تلقی‌های دیگری چون ترمزانگاری اخلاق، سرسره‌انگاری آن و زیورانگاری اخلاق مانع توجه به نقش اخلاق حرفه‌ای شده است. اما، اگر همچون محمد بن زکریای رازی، اخلاق را به مثابه طب می‌دیدیم و آن را دانشی تلقی می‌کردیم که به تشخیص درست، پیش‌گیری مؤثر و درمان اثربخش معضلات اخلاقی می‌پردازد، از توان این دانش بیشتر بهره می‌جستیم و در پی این طلب، دانش اخلاق حرفه‌ای را بیشتر توسعه می‌دادیم.

اگر سرقت علمی را گونه‌ای بیماری در رفتار حرفه‌ای بدانیم، در پی دانشی خواهیم بود که به وسیله آن و نه مثلاً از طریق خوددرمانی بتوانیم اولاً این بیماری را به‌دقت و به‌موقع تشخیص دهیم؛ از مغالطه جمع مسائل در مسئله واحد بهره‌ریزی و مسائل مندرج در آن را به‌وضوح بشناسیم، ثانیاً برای پیش‌گیری از آن برنامه‌ریزی کنیم و روش‌های اثربخش درمان و بهبود را به دست آوریم.

سرقت علمی در مشاغل و حرفه‌های خاصی رخ می‌دهد و این حرفه‌ها غالباً در

درون یک سازمان جاری‌اند و با عوامل درونی و برونی سازمان همبستگی دارند. مواجهه سازمانی با پدیده سرقت علمی نشان می‌دهد که با مسئله‌ای چندتباری روبه‌رو هستیم و تشخیص، پیش‌گیری و درمان آن نیازمند مطالعه بین‌رشته‌ای است. امروزه بسیاری از سازمان‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه معضلات سازمانی را با رهیافت بین‌رشته‌ای تحلیل می‌کنند. سیاست‌گذاران مراکز علمی کشور در سامان‌دهی مطالعات بین‌رشته‌ای در معضلات اخلاقی و پدیده‌هایی چون مهاجرت دانشمندان، تقلب علمی و ... مسئولیت اخلاقی دارند.

مسئله در شکل آغازین و ابتدایی چنین است: کسی یا کسانی در اشتغال یا شغل علمی در یک مرکز علمی، مانند دانشگاه مرتکب سرقت علمی می‌شوند. چگونه می‌توان افراد شاغل در این حرفه را از ارتکاب به این رذیلت بازداشت (هم از حیث دفع و هم از حیث رفع). پاسخ به این پرسش در رهیافت سازمانی نیازمند طراحی و اجرای الگوی رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان است. الگویی که بتواند گذار از وضعیت بد به خوب و نیز گذار از وضعیت خوب به عالی را در سازمان تحقق دهد و در حسابرسی سالانه رشد اخلاقی، انطباق میزان رشد اخلاقی با برنامه‌های اجراشده سنجیده شود.

الگوهای فراوان رشد اخلاقی وجود دارد اما الگوهای استوار بر نگرش سیستمی و رهیافت سازمانی بسیار اندک‌اند (نک: سلیمان ماهینی، ۱۳۹۳). الگویی که در چاپ چهارم کتاب اخلاق حرفه‌ای (۱۳۹۳ الف) عرضه شده حاصل بیش از یک دهه مطالعه و اعتبارسنجی است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳ الف: ۲۲۹)، که فرآیندی شش مرحله‌ای را پیشنهاد می‌کند: بازانگاری، شناخت‌افزایی، خودانگیختگی، مهارت‌افزایی، بازمهندسی فرآیندها و نظام‌های حرفه‌ای و حمایت قانونی. بحث تفصیلی از انطباق این الگو بر معضل سرقت علمی مجال فراخی می‌خواهد. در این جا به بحث از مرحله پنجم بسنده می‌کنیم.

### ممیزی اخلاقی و بازمهندسی فرآیندها و نظام‌های حرفه‌ای در مراکز علمی

سرقت علمی، در نگرش سیستمی، پدیده‌ای در یک نظام علمی است. هر عنصری در این نظام می‌تواند نقش تسهیل‌کننده یا بازدارنده داشته باشد: ۱. نظام جامع علمی کشور. آیا فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی از کلان‌نظامی یکپارچه و منسجم برخوردار است یا بر اساس شیوه‌های اقتضایی، در هر موقعیتی، عنصری به میان آمده و وصله و پینه شده است؟ ۲. درون داده‌ها و منابع ورودی نظام علمی، چه در سطح ملی و چه در سطح مراکز علمی نقش مؤثری در پیدایش سرقت علمی دارند. ۳. نظام‌های حرفه‌ای (شامل فرآیندها، استانداردها، مقررات و آیین‌نامه‌ها) در هر یک از شئون حرفه‌ای مراکز علمی (مثل جذب، ارتقا، ارزیابی و ...) نیز نقش مهمی در ظهور این پدیده دارد. برای نمونه، بود و نبود نظام جامع ارتقای اعضای هیئت علمی و نیز عادلانه و منصفانه بودن نظام جامع ارتقا می‌تواند در پیدایش یا ناپیدایی سرقت

علمی مؤثر باشد. فرآیندهای تبعیض آمیز، پیش‌بینی ناپذیر و غیرشفاف و نظام‌های حرفه‌ای غیرچابک، و فاقد شایسته‌سالاری زمینه مناسب برای رشد تقلب علمی در مراکز آموزشی و پژوهشی است.

غالباً در مراکز علمی، نظام‌های حرفه‌ای جامع مستقر نشده‌اند و با تکیه بر مجموعه‌ای از آیین‌نامه‌ها و فرآیندها شئون حرفه‌ای سازمان می‌یابند. به همین سبب بررسی را در سطح فرآیندها ادامه می‌دهیم. الگوی رشد اخلاقی سازمان در خصوص سیاست‌ها، نظام‌های جامع حرفه‌ای، فرآیندها، روش‌ها، برنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها دو اقدام مستمر را ضروری می‌داند: ۱. سنجش مستمر آن‌ها در ترازوی اخلاق و ممیزی اخلاقی آن‌ها؛ ۲. بازمهندسی اخلاقی آن‌ها. این دو اقدام را در خصوص برخی از سیاست‌ها و فرآیندهای مراکز علمی بررسی می‌کنیم:

۱. **سیاست تمرکزگرایی و تمرکززدایی؛** نظام آموزش عالی کشور از حیث تمرکزگرایی و تمرکززدایی ناهمگون، و به سلیقه وابسته است. مدیران سیاست‌گذار در روش‌های گوناگون خلاقیت و علایق و سلیقه. مثلاً از طرفی در برنامه‌ریزی درسی سیاست تمرکززدایی به میان می‌آید و از طرف دیگر در آزمون ورودی مقاطع تحصیلی ارشد و دکتری سیاست تمرکزگرایی اعمال می‌شود.

۲. **سیاست کمیت‌گرایی جذب دانشجو؛** مسئله انطباق توزیع جمعیتی دانشجو با استانداردهای کیفی آموزش و پژوهش، همبستگی معناداری با سلامت حرفه‌ای در مراکز علمی دارد.

۳. **فرآیندهای جذب دانشجو و عضو هیئت علمی؛** بدون آن‌که بخواهیم عوامل سرقت علمی را در سرقت علمی نادیده بگیریم، به صورت غالب می‌توان گفت کسی مرتکب سرقت علمی می‌شود که بضاعت علمی ندارد یا علی‌رغم فقدان انگیزه پژوهش، مجبور است مقاله، پایان‌نامه، رساله یا کتابی را عرضه کند. چنین کسی راه میان‌بر را در سرقت علمی می‌بیند. اگر سرقت علمی در جامعه آماری معینی، بسامد یابد، به معنای آن است که در آن جامعه علمی (دانشکده، دانشگاه یا هر مرکز علمی) افراد ناتوان یا فاقد انگیزه، فراوان راه یافته‌اند و این ناکارآمدی فرآیند جذب را در آن مرکز نشان می‌دهد. تغییر سیاست تمرکزگرایی جذب دانشجو به سیاست تمرکززدایی و برعکس، نوعی بازی با مشکل است که به جای حل مسئله آن را به بحران تبدیل می‌کند، زیرا این تغییر سیاست باید بر مطالعه دقیق آسیب‌شناسی فرآیندها استوار باشد؛ فرآیندهای نادرست، در هر سیاستی قرار گیرند، نتایج نادرست می‌دهند.

فرض کنید در سیاست تمرکزگرایی، اعضای گروه‌های آموزشی نقشی در جذب هیئت علمی نداشته باشند و در پرتو این سیاست عده‌ای به لحاظ علمی ناتوان، وارد گروه شوند و اکثریت گروه را به دست آورند و سپس سیاست تمرکززدایی بر نقش اعضای گروه‌های آموزشی تأکید کند، نتیجه در عمل چه می‌شود؟ آیا زمان آن نرسیده است که توهم حاصل از طریق لِم (تحلیل مبتنی بر اعتبار کسان) را بر ترازوی واقعیات

حاصل از طریق این (تحلیل مبتنی بر پیامدهای تصمیم و اقدام کسان) بنهیم؟

۴. **فرآیندهای ترفیع و ارتقای اعضای هیئت علمی؛** فلسفه وجودی آیین‌نامه‌های ارتقا و ترفیع از طریق سنجش عملکرد اعضای هیئت علمی در دوره یک‌ساله (ترفیع) و چندساله (ارتقا)، ارتقای دانشی، مهارتی و توان حرفه‌ای آنان است. نکته‌هایی چند ناکارآمدی این فرآیندها را در دست‌یابی به آن اهداف نشان می‌دهد: یک، ماهیت این آیین‌نامه‌ها مواجهه حقوقی و قانونی با پدیده رکود و رشد علمی اعضای هیئت علمی دارد و سرانجام به تنبیه و محرومیت از امتیازهایی مادی و معنوی می‌انجامد. گفتیم در الگوی رشد اخلاقی سازمان حمایت حقوقی و قانونی آخرین مرحله است، آیا مراحل پیشین که ماهیت اخلاقی دارند، اعمال شده‌اند؟ دو، تحول‌های فراوان، چه در آیین‌نامه‌های کشوری و چه در مصوبات هیئت‌های ممیزه، یکسان نبودن رویه‌ها و نیز مدخلیت وزن پرونده (کارنامه) متمایز از امتیاز پرونده‌ها و سایر عوامل نانوخته در رأی هیئت ممیزه، ارتقای هیئت علمی را برای آنان پیش‌بینی ناپذیر می‌کند. پیش‌بینی ناپذیری سبب تنش، اضطراب و بلا تکلیفی می‌شود و همین زمینه استفاده از روش‌های غیر اخلاقی از جمله تقلب، سرقت علمی و کتاب‌سازی می‌شود.

سه، کمیت‌گرایی و فقدان ملاک و شیوه‌های سنجش کیفیت محصول‌های علمی متناسب با رشته‌ها نیز در سوق دادن افراد به سرقت علمی نقش دارد. هنوز در سنجش محصول‌های علمی به تنوع رشته‌ای توجه نمی‌شود و محصولات علوم انسانی با روش علوم مهندسی سنجیده می‌شوند. نمونه‌ای از این سنجش بی‌سنجه را می‌توان در امتیاز مربوط به تصحیح میراث مکتوب لحاظ کرد که تناسبی با اهمیت محصول و نیز تلاش طاقت‌فرسا برای آن ندارد.

ممیزی اخلاقی آیین‌نامه‌ها و فرآیندهای ترفیع و ارتقا، تدوین نظام جامع و عادلانه ارتقا و ترفیع تدوین خط مشی اخلاقی هیئت ممیزه و پای‌بندی به آن، و نیز دیده‌بانی اخلاقی در همه مراحل فرآیند ارتقا می‌تواند در پیش‌گیری از معضلاتی چون سرقت علمی و درمان آن سودمند باشد.

۵. **فرآیند و آیین‌نامه‌های پژوهانه؛** تخصیص پژوهانه فرصتی است که به وسیله افراد نادر به تهدید تبدیل می‌شود و زمینه حرص و آز افراد برای دست‌یابی به پژوهانه افزون‌تر از طریق کتاب‌سازی و سرقت علمی می‌شود. کمیت‌گرایی، نبود ملاک سنجش کیفیت و یکسان نبودن رویه‌ها بر این امر دامن زده است. ممیزی اخلاقی و بازمهندسی فرآیند تخصیص پژوهانه و مصرف آن می‌تواند یکی از عوامل سرقت علمی را از بین ببرد.

۶. **نبود نظام جامع انتصابات در مراکز علمی؛** مقایسه سیاست‌ها، روش‌ها و فرآیندهای انتصاب در مراکز علمی در کشورهای توسعه‌یافته و جامعه ما واقعیت تلخ به سلیقه وابسته بودن و در میان نبودن نظام شایسته‌سالارانه مبتنی بر سنجش کمی

ممیزی اخلاقی  
آیین‌نامه‌ها و  
فرآیندهای ترفیع و  
ارتقا، تدوین نظام  
جامع و عادلانه  
ارتقا و ترفیع تدوین  
خط مشی اخلاقی  
هیئت ممیزه و  
پای‌بندی به آن، نیز  
دیده‌بانی اخلاقی  
در همه مراحل  
فرآیند ارتقا می‌تواند  
در پیش‌گیری از  
معضلاتی چون  
سرقت علمی و  
درمان آن سودمند  
باشد

شایستگی‌های حرفه‌ای را نشان می‌دهد. چالش بین سیاست انتخاباتی و انتصابی به مسئله‌ای پنداری تبدیل شده است و مسئله اصلی یعنی شایسته‌سالارانه بودن انتصاب را پنهان کرده است. شایسته‌سالاری نیازمند ملاک‌های عینی و روش‌های سنجش علمی است.

**۷. نبود حسابرسی مدیریتی و حسابرسی اخلاقی؛** غالب قریب به اتفاق مراکز علمی حسابرسی مدیریتی ندارند و عملکرد مدیریتی به صورت سالانه نقد و سنجش نمی‌شود. همچنین است نقد و سنجش سالانه عملکرد اخلاقی مدیران که در هیچ دانشگاهی در جامعه ما وجود ندارد. نظام جامع ارزیابی کیفیت و استقرار فرآیندهای حسابرسی مدیریتی و اخلاقی در پیش‌گیری از معضلات اخلاقی، از جمله تقلب علمی، مؤثر است.

تقلب علمی و سرقت در مراکز علمی، پدیده‌ای ناموجه اما معلل است. عوامل سازمانی فراوانی، در انگاره، احساس و نگرش اعضای هیئت علمی مؤثر واقع می‌شوند و شخص را به سرقت علمی سوق می‌دهند. وقتی احساس تبعیض یا قدرشناسی در انگاره و احساس اعضای هیئت علمی شکل بگیرد، خواه این احساس، واهی و پنداری باشد و خواه مطابق با واقعیت، عده‌ای را به برگرفتن راه‌های غیراخلاقی سوق می‌دهد. حسابرسی مدیریت و نیز حسابرسی اخلاقی درمانگر چنین انگاره‌ها و احساس‌هایی است.

**۸. فرهنگ سازمانی؛** پیچیده‌ترین، مؤثرترین و پنهان‌ترین عنصر سازمان که همبستگی با سرقت علمی دارد، فرهنگ سازمانی مراکز علمی است. فرهنگ سازمانی متعالی می‌تواند از سرقت و به طور کلی تقلب علمی پیش‌گیری کند. حصر توجه به عناصر ملموس سازمان سبب فراموش شدن مهم‌ترین عنصر سازمان، فرهنگ سازمانی، می‌شود. نبود حسابرسی مدیریتی، سبب شده است حساس نبودن برخی از مدیران مراکز علمی به فرهنگ سازمانی و سرمایه‌گذاری نکردن برای آن آشکار نشود، اما پیامدهای آن به شکل‌های گوناگون، مانند سرقت علمی، به خوبی دیده می‌شود.

### منابع

اسلامی اردکانی، سید حسن (۱۳۹۰). «چو دزدی با چراغ آید: سرقت علمی در سطح دانشگاهی»، در: آینه پژوهش، ش ۱۲۶، ص ۷-۱۷.

اسلامی اردکانی، سید حسن (۱۳۹۳). «انتحال از سرقت ادبی تا معضل آکادمیک»، در: جستارهایی در اخلاق پژوهش، به اهتمام: رستم فلاح، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بلخی (مولوی)، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۰). مثنوی، تصحیح نیکلسون، تهران: مولی.

جوادی، محسن (۱۳۹۰). اخلاق پژوهش: مبانی و مسائل. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سلمان ماهینی، سکینه (۱۳۹۳). تدوین مؤلفه‌های آموزش اخلاق حرفه‌ای با توجه

فصلنامه نقدکتاب

اخلاق علوم تربیتی  
روانشناسی

سال اول، شماره ۲  
تابستان ۱۳۹۴

۱۸

پیچیده‌ترین،  
مؤثرترین و  
پنهان‌ترین  
عنصر سازمان  
که همبستگی با  
سرقت علمی دارد،  
فرهنگ سازمانی  
مراکز علمی است.  
فرهنگ سازمانی  
متعالی می‌تواند از  
سرقت و به طور  
کلی تقلب علمی  
پیش‌گیری کند

به آموزه‌های تربیتی اسلام، رساله دکتری به راهنمایی دکتر سید مهدی سجادی، دانشگاه تربیت مدرس.  
فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸). روش‌شناسی فلسفه ملاصدرا، تهران: بنیاد حکمت صدرا.  
فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۱). روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ هفتم.  
فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۳ الف). اخلاق حرفه‌ای، تهران: نشر مجنون، چاپ ششم.  
فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۳ ب). «رهیافت سازمانی به اخلاق پژوهش»، در: جستارهایی در اخلاق پژوهش، به اهتمام: رستم فلاح، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.

فصلنامه نقد کتاب

اخلاق علوم تربیتی  
روان‌شناسی

سال اول، شماره ۲  
تابستان ۱۳۹۴

### پی‌نوشت‌ها

۱. این مقاله به اهتمام رستم فلاح در جستارهایی در اخلاق پژوهش منتشر شده است. اگرچه زمستان ۱۳۹۳ بر شناسه آن آمده است اما ظاهراً اواخر بهار ۱۳۹۴ توزیع شده است.
۲. در این مقاله به تحلیل انگاره و تعریف خودم از رهیافت سازمانی نمی‌پردازم. برای آگاهی بیشتر نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۳ ب. ●